

## یادداشت های پراگنده

از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده کمال

بخش چهارم

درد آمد و رنج آمد و حرمان آمد      ابر آمد و باد آمد و باران آمد  
شد خانه زندگی ز بنیاد خراب      من خفته بودم که سیل خانه ویران آمد

گسترش و توسعه قومی و رابطه به نیروی سیاسی:



در صحبت های کرسی سوال «طالب های معتدل» به صورت متواتر مدت کمی بعد از انتخابات مورد بحث قرار می گرفت، که از آن میتوان از عریض ساختن ساحه قدرت اش و مخصوصاً وعده ادغام پشتون ها در قدرت استنباط شود. سوال ادغام پشتون ها در ادارات دولتی مطابقت می کند به تعهد ضمنی، و خاتمه دادن به غلبه داشتن اعضای ائتلاف شمال. دو حادثه ای که در ماه اپریل به وقوع پیوست این توضیح را تائید می کند: اولاً یک تعداد اعضای ناراضی حزب اسلامی حکمتیار، بعد از مذاکره و مبادله که توسط خالد فاروقی پیش برده شد، به دولت مرکزی پیوستند.

بعداً شهنواز تنی وزیر دفاع سابق رژیم خلقی در حکومت نجیب، که بعد از اقدام کودتای ناکام در سال ۱۹۹۱، به راولپندی (پاکستان) پناهنده شده بود، به کابل و به ملاقات کرزی آمد.

نقطه مشترک بین این دو چهره سیاسی همانا نداشتن هیچ نوع مشروعیت در نزد ملت افغان بود که از حمایت در داخل کشور محروم اند.

این گرفتن تماس در هنگامی که کرزی علاقمند ارتباط با «طالب های معتدل» می باشد، نشان دهنده این است که کرزی می خواهد با اهالی پشتون به هر هویت سیاسی که مربوط باشد ضم شود.

البته این تماس غیر ممکن خواهد شد، بدون اضمحلال قدرت اعضای ائتلاف شمال، مخصوصاً وزرای داخله و دفاع دوره انتقالی.

در این تأریخ مطرح کردن گفت و گو با «طالبان معتدل» در واقع دلالت بر ادغام اعضای اسبق طالب ها نمی کند، مگر کرزی با مطرح کردن این سؤال می خواهد، سبب آرامش و کاستن پریشانی اکثریت مردم که فوق العاده از نفوذ انبوه و عظیم رهبران جنگ که پوست های بلند ادارات دولتی را در اختیار دارند، بکاهد.

### مامورین عالی رتبه غیر سیاسی:

بعد از انتخابات کرزی به تعهد انتخاباتی خود وفا کرده، و خواست موازنه را برقرار نماید، اما برای این وعده خود یک تعداد اشخاصی که قبلاً در دو دوره قبلی در کابینه حاضر بودند، که عبارت اند از تکنوکرات ها (اشخاصی که در خارج از وطن بودند) که زیاده از اطرافیان نزدیک به خودش تشکیل شده بودند.

نا گفته نماند که اکثر آنها از دانش و قابلیت مدیریت بر خوردار و تجربه در وظایف بلند بین المللی (بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و غیره) داشتند.

به این ترتیب در سخنرانی پیش از انتخابات که در آن وعده گسترش و توسعه قدرت را داده بود، مختص به یک دایره کوچک باقی ماند.

سخنرانی کرزی در اولین مجلس وزراء در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۴ به صورت بسیار واضح مشروعیت نخبگان نو را تشریح نموده، و به تفصیل ضرورت به داشتن و خلق نمودن نخبگان غیر سیاسی تأکید نمود، و از وزرایی که به حزب های سیاسی ارتباط داشتند خواهش نمود تا استعفی نمایند، زیرا وابستگی به یک حزب سیاسی یک وزیر مانع وی می شود که تنها به منافع کشور اندیشیده و منافع حزبی خود را در نظر نگیرند.

به مراتب کرزی تأکید کرد که حاضر نیست به هیچ حزب سیاسی ارتباط داشته باشد و آرزوی این است که در خدمت تمام مردم بوده و از همه ملت دفاع نماید و منافع ملت را بالا تر از حزب، قوم و منطقه می داند.

فلذا نخبگانی که اطرافیان نزدیک وی را تشکیل داده بودند، و فاقد وابستگی حزبی بودند، و به این ترتیب در سخنرانی خود رئیس دولت تعریفی از غیر سیاسی بودن اعضای دولت خود را نمود، غافل از این که، در عدم موجودیت پشتوانه سیاسی آیا خواهند توانست واقعاً در خدمت و منافع کشور و مردم باشند؟

بر علاوه مطرح نمودن از «طالب های معتدل» در دوره انتخابات به صورت بسیار وسیع نشان دهنده این است که کرزی آرزو دارد به حیث یک شخصیت فداکار و صادق در خدمت ملت باشد.

در واقع رأی دهندگان احتمالی، که سخنرانی کاندید را به جانشینی دوباره خودش و از ادغام «طالبان معتدل» حرف می زند، آیا از خود سؤال نمی کنند که این ادغام چقدر منصفانه، دقیق، معقول، منطقی، مشروع، قانونی، ممکن و مطلوب خواهد بود؟

برداشت از این سؤالات نظر به ارتباطات اجتماعی و نظر به مناطق، تأثیر پذیر است.

برعکس هر کس که سخنرانی کرزی را در این موضوع گوش کند، اولین برداشت وی این است، که آیا کرزی توان مدغم نمودن آنهایی را که از سقوط شان مستفید گردیده و به قدرت رسید، خواهد داشت؟

## محدودیت توانایی کرزی دو دلیل دارد:

۱- وابستگی بسیار شدید دولت به جامعه بین المللی، وابستگی مالی و وابستگی نظامی.

۲- حضور ائتلاف شمال در ادارات دولتی.

آنچه که مربوط به وابستگی در مقابل جامعه بین المللی می باشد، کرزی خود را یگانه میانجی جهت حل و فصل دانسته و قابلیت و توانایی، و حمایت منصفانه و عادلانه و مناسب به تقاضای داخلی و تقاضاهای خارجی می باشد:

تقاضای داخلی پیشبرد گفت و گو با «طالب های معتدل».

تقاضای خارجی، همکاری با قوای ناتو جهت پیش برد مبارزه علیه تروریسم.

## در ولایات:

اگر در مرکز قدرت تکیه بالای یک حلقه تنگ غیر سیاسی، مبهم و خیالی می کند، سرنوشت ولایات به دست افراد سیاسی است که دارای دو خصوصیت اساسی می باشند.

از یک طرف لیدر شپ بودن شان بر عکس بهره برداری از ارتباط اجتماعی، منطقی، قومی، و از طرف دیگر یک گروه سیاسی که عمیقاً متفرق و به چندین پارچه تقسیم شده و عموماً این بی اتفاقی زیادتیر در مناطقی وجود دارد که به صورت بسیار شدید منتقدین از قدرت مرکزی می باشند.

چگونگی مدغم شدن از نظر سیاسی، اعضای مخالفین در پروسه بُن امروز به صورت واضح روشن نیست. که آیا این مخالفین اجازه به فعالیت های سیاسی را دارند و یا اینکه در خوب ترین احوال و شرایط به یک انتصاب اکتفا خواهند کرد؟

در صورت اول از طریق فعالیت های سیاسی به ادارات دولتی و قوای اجرائیه خواهند رسید، و در صورت دوم کاملاً وابسته به قدرت مرکزی می باشند.

حالا سؤال آن هایی که به قدرت مرکزی مدغم نشدند و تنها در یک بافت همبستگی قومی، به صورت منطوقی فعالیت می توانند، رجوع به افراط گرایی به صورت واضح بوده و به درجه استعمال ابزار، از طرف مرکزیت، شخصیت های منطوقی و تضاد ها و خصومت ها ارتباط می گیرد. جذب و ادغام طالب ها که فرض کنیم «معتدل» توصیف شده توسط قدرت مرکزی، خطر بسیار کلان از این ادغام وجود دارد، نه به حیث معترض، بلکه این ابزاری ساختن آن ها توسط قدرت مرکزی سبب تغییری وفاداری و صداقت بر حسب مقتضیات می باشد. اگر ادغام اشخاص مخالف که حاضر به مذاکره همراهی قدرت مرکزی باشند، سبب مبارزه بین قوت های رقیب منطوقی گردیده و فرضیه به افراطیت پیوستن در بین طبقه ها و یا پارچه هایی که به پروسه ادغام داخل نشدند، یک حقیقت واقعی می باشد.

## نتیجه گیری:

خلق نمودن کتگوری «طالب های معتدل» توسط قدرت مرکزی از همه اول تر حالت و وضعیت تفوق و برتری قدرت مرکزی در مقابل مخالفین را نشان می دهد.

تشریح دوباره ساختار مخالفین به صورت بسیار ناقص ارائه شده است. اگر حقیقت این باشد که در جنبش طالب ها همبستگی وجود نداشته و به پارچه ها تقسیم هستند، فلذا ما هیچ نمی دانیم از رابطه بین آنهايي که ادغام را قبول می کنند و آنهايي که آنرا رد می کنند، در این صورت ارزیابی از امکانات آن ها بسیار مشکل است:

## حمایت خارجی، حمایت اهالی، امکانات مالی، امکانات نظامی.

ارزیابی این که به کدام اندازه ادغام «طالب های معتدل» می تواند یک راه حل پایدار به مشکلات افراط گرایی باشد.

به همه حال امکان دو خطر یا ریسک احتمالی از مدغم شدن طالب های اولی یا سابق وجود دارد.

خطر اول از پریشانی، شخصیت های مختلف، اصیل ولایات شمالی و مرکزی افغانستان، که از دوباره به قدرت رسیدن طالب ها احساس تهدید می کنند. و هم ترس از «رجعت» طالب ها در صورت داشتن پوست های مهم و تصمیم گیرنده دولتی در مرکز، دارند.

در صورتی که قدرت مرکزی بعد از انتخابات ریاست جمهوری به دوری حلقه نزدیک رئیس جمهور منحصر می ماند، مانع هر نوع ادغام اشخاص حاشیوی می گردد.

بعید به نظر می رسد که «طالب های معتدل» غیر از ولایت خود در دیگر مناطق رول بازی کنند، در حقیقت این دسته گروه «طالب های معتدل» شاید به خاطری، ادغام ولایات جنوب از برکت اشتراک به یک رقابت سیاسی، و یا انتصابی، خلق شده باشند.

در مقابل، خطری که از پارچه، پارچه نمودن به منتها درجه مخالفین سر قدرت، ریسک عدم پذیرش اشخاص مدغم شده خواهد شد.

به صورت قطعی درجه استعمال مخالفین توسط قدرت مرکزی بسیار مهم و تعیین کننده از محدود کردن اشخاص خشن و افراطی جنبش، از خشونت مسلحانه می باشد.

### یک سوال حل نشده وجود دارد:

چطور مطمئن خواهیم بود که شخصیت های سیاسی مدغم شده به هدف پر کردن خلای نمایندگان دولت مرکزی در واقع نمایندگی از معترضینی نباشد که در حالت دوباره به وجود آمدن ساختار خود می باشند؟

ادامه دارد